



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۲۹

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی

آموزشیار: مصطفی ده‌باشی

در رابطه با اشکال اجرای استصحاب در مواردی که حدوث شیء یقینی نیست ، بلکه فقط اماره بر حدوث وجود دارد، سه صورت از صورت های چهارگانه شک در حدوث و بقاء از دیدگاه شهید صدر مورد بررسی قرار گرفت. در این درس، مصنف به بررسی آخرین صورت پرداخته و نتیجه می گوید که در موارد قیام اماره بر حدوث، استصحاب جاری نمی شود، اما می توان با استصحاب حکمی یا موضوعی، مشکل را حل نمود.

مباحث شک در رافع و شک در مقتضی و تفاوت آن دو و حکم جریان استصحاب در این موارد نیز از مباحث پایانی این درس است. این مباحث و اختلاف در اجرای استصحاب در آن ها در جلد سوم «فرائدالاصول» شیخ انصاری مطرح شده است.

متن درس

الرابعة: أن تعالج الأمانة شبهة حكمية و يكون الشك في البقاء شبهة حكمية أيضاً، كما إذا دلت على تنجس الثوب بملاقاة المتنجس و شك في حصول التطهير بالغسل بالماء المضاف.

و علاج هذه الصورة نفس علاج الصورة السابقة، فإن النجاسة المخبر عنها بالأمانة هي على فرض حدوثها نجاسة مستمرة مغيبة بطرؤ المطر الشرعي، و على هذا فالتعبد على طبق الأمانة يتكفل إثبات هذا النحو من النجاسة ظاهراً، و لمّا كانت الغاية مرددة بين مطلق الغسل، و الغسل بالمطلق فيقع الشك في حصولها عند الغسل بالمضاف، و بالتالي يقع الشك في بقاء التعبد المغيبي المستفاد من دليل الحجية، فيستصحب.

ففي كلّ هذه الصور يمكن التفاوض عن الإشكال بإجراء الاستصحاب الموضوعي أو استصحاب نفس المجعول في دليل الحجية، جامع هذه الصور أن يعلم بأنّ للحكم المدلول للأمانة على فرض ثبوته غاية و رافعاً و يشك في حصول الرفع على نحو الشبهة الموضوعية أو الحكمية.

نعم قد لا يكون الشك على هذا الوجه بل يكون الشك في قابلية المستصحب للبقاء، كما إذا دلت الأمانة على وجوب الجلوس في المسجد إلى الزوال و شك في بقاء هذا الوجوب بعد الزوال، فإن الأمانة هنا لا يحتمل أنّها تدلّ مطابقة أو التزاماً على أكثر من الوجوب إلى الزوال، و هذا يعني أنّ التعبد على وقفها المستفاد من دليل الحجية لا يحتمل فيه الاستمرار أكثر من ذلك، و في مثل هذا يترك الإشكال لأنّ الحكم الواقعي بالوجوب غير متيقن الحدوث و الحكم الظاهري المستفاد من دليل الحجية غير محتمل البقاء، و يتوقّف دفع الإشكال حينئذ على إنكار ركنية اليقين بلحاظ مثل رواية عبدالله بن سنان المتقدمة.

صورت چهارم از صورت‌های چهارگانه موارد شک در حدوث و بقاء

شهید صدر سه صورت از صورت های چهارگانه شک در حدوث و بقاء را بیان نمود که در همه این موارد استصحاب واقعی را اجرا نمی‌کردیم، بلکه در صورت‌های اول و دوم، ایشان استصحاب حکمی و موضوعی و در صورت سوم فقط استصحاب حکمی را قابل جریان دانستند.

در صورت چهارم، اماره در مقام علاج شبهه حکمی است و شک در بقاء نیز شبهه حکمی است؛ مثل این که لباس مکلف با بزاق دهان سگ برخورد کرده باشد، سپس لباس دیگر او که مرطوب است با آن برخورد کند. در این جا اماره حکم تنجس لباس دوم به خاطر برخورد با متنجس، را بیان می‌کند و از طرف دیگر، مکلف، لباس دوم را با آب مضاف شسته است و شک می‌کند که آیا با آب مضاف، تطهیر حاصل شده است یا خیر؟

در این صورت همانند صورت سوم، استصحاب موضوعی مجالی برای جریان ندارد چون در موضوع شکی نداریم تا بخواهیم آن را استصحاب کنیم، اما استصحاب حکمی جاری می‌شود. اماره‌ای که بر نجاست ملاقی با متنجس دلالت می‌کند دارای دو مدلول است: مدلول مطابقی که حدوث نجاست به واسطه ملاقات با متنجس است و مدلول التزامی که بقاء نجاست ملاقی است تا وقتی که مطهر شرعی حاصل نشده باشد. بنابه مقتضای حجیت دلیل اماره، باید تعبیه حدوث و بقاء نجاست داشته باشیم و غایت بقاء نجاست هم عارض شدن مطهر شرعی است. وقتی که شک می‌کنیم آیا آب مضاف شرعاً مطهر است یا خیر، در حقیقت شک در حصول غایت نجاست باقیه (بقاء نجاست) کرده ایم که در این صورت، استصحاب تعبیه نجاست باقیه می‌کنیم.

متن عربی و نکات تطبیقی

الرابعة: أن تعالج الأمانة شبهة حكمية و يكون الشك في البقاء شبهة حكمية أيضاً، كما إذا دلت على تنجس الثوب بملاقاة المتنجس و شك في حصول التطهير بالغسل بالماء المضاف.

و علاج هذه الصورة نفس علاج الصورة السابقة، فإن النجاسة المخبر عنها بالأمانة هي (١) على فرض حدوثها نجاسة مستمرة مغيية بطور (٢) المطهر الشرعي، و على هذا فالتعبد على طبق الأمانة يتكفل إثبات هذا النحو من النجاسة ظاهراً، و لمّا كانت الغاية (٣) مرددة بين مطلق الغسل (٤) و الغسل بالمطلق (٥) في حصولها (٦) عند الغسل بالمضاف، و بالتالي يقع الشك في بقاء التعبد المغربي الاستفادة من دليل الحجية، فيستصحب.

١. مرجع ضمير: نجاست.

٢. جار و مجرور، متعلق به مغيية.

٣. یعنی: حصول مطهر شرعی.

٤ و ٥. یعنی: شستن با مطلق آب.

٦. مرجع ضمير: غایت.

Sc01: 09:13

جمع بندی مباحث مربوط به صورت‌های چهارگانه شک در حدوث و بقاء

شهید صدر در تمامی صورت های مذکور قائل شدند که استصحاب در آن چه که اماره بر حدوث آن قائم شده، جاری نمی شود و تلاش کردند که یک استصحاب جایگزین که یقین به مستصحب در آن محفوظ است، جاری کنند.

وجه اشتراک صورت های چهارگانه

در تمامی صورت ها، حکمی که مدلول التزامی اماره بود دارای غایتی است که شک در بقاء حکم، ناشی از شک در تحقق غایت است. این گونه موارد که شک در تحقق غایت است، اصطلاحاً «شک در رافع» نامیده می شود. با توجه به آن چه گذشت، در موارد شک در رافع، بدون این که در رکن استصحاب خللی وارد شود آن را از یقین به حدوث به نفس حدوث متحوّل می کنیم؛ خواه شک در تحقق رافع، شبهه حکمی باشد خواه شبهه موضوعی باشد.

متن عربی و نکات تطبیقی

ففي كلّ هذه الصور يمكن التفادي (١) عن الإشكال بإجراء الاستصحاب الموضوعي أو استصحاب نفس المجعول (٢) في دليل الحجية، جامع هذه الصور أن يعلم بأنّ للحكم المدلول للأمانة على فرض ثبوته غاية و رافعاً (٣) و يشكّ في حصول الرافع على نحو الشبهة الموضوعية أو الحكمية.

١. به معرای اجتناب.

٢. تعجب به بقاء حکم ثوقتی که غایت، تحقق نیافته است.

٣. اسم أنّ.

Sco2: ۱۵:۲۴

شک در مقتضی و تفاوت آن با شک در رافع

در صورتی که شک در تحقق غایت مدلول التزامی اماره باشد آن را «شک در رافع» می نامند، اما اگر شک در قابلیت مستصحب برای بقاء باشد به آن «شک در مقتضی» گویند.

مثال: چراغ نفتی که روشن است، در بقاء روشنایی آن از دو جهت شک عارض می شود؛ گاهی شک در این است که آیا چراغ هم چنان روشن است یا خیر؟ چون شک می کنیم آیا عاملی مثل وزش باد آن را خاموش نموده است؛ این شک در رافع است. اما گاهی شک در بقاء روشنایی چراغ از این جهت است که آیا نفت آن تمام شده یا باقی است؟ این جا شک در مقتضی است. استصحاب، در شک در رافع جاری می شود، اما در شک در مقتضی اختلاف است. در محل بحث اگر فرض کنیم اماره بر وجوب جلوس در مسجد تا وقت زوال دلالت کند، اگرچه وجوب ظاهری جلوس، ثابت است، اما شک می کنیم که آیا وجوب جلوس بعد از زوال هم باقی است یا خیر؟ در این صورت نمی توانیم استصحاب وجوب جلوس بعد از زوال بکنیم؛ چون در این مثال _ که شک در مقتضی است _ اگر وجوب واقعی جلوس را استصحاب کنیم، یقین به حدوث نداریم؛ به دلیل این که اماره بر وجوب جلوس مفید ظن است و اگر هم بخواهیم وجوب ظاهری جلوس را استصحاب کنیم، شک در بقاء نداریم؛ زیرا اماره، وجوب

جلوس را تا وقت زوال ثابت می‌کرد و نسبت به بعد از آن ساکت است. تنها راه حلّ مشکل این است که طبق مفاد روایت عبدالله بن سنان، رکن استصحاب را نفس حدوث و حالت سابقه بدانیم، نه یقین به حالت سابقه.

متن عربی و نکات تطبیقی

نعم قد لا يكون الشكّ على هذا الوجه بل يكون الشكّ في قابلية المستصحب للبقاء، كما إذا دلّت الأمانة على وجوب الجلوس في المسجد إلى الزوال و شكّ في بقاء هذا الوجوب بعد الزوال، فإنّ الأمانة هنا لا يحتمل أنّها تدلّ مطابقتاً أو التزاماً على أكثر من الوجوب إلى الزوال، وهذا يعني أنّ التعبّد على وقفها (۱) المستفاد (۲) من دليل الحجّية لا يحتمل فيه (۳) الاستمرار أكثر من ذلك (۴) و في مثل هذا (۵) يتركّو الاشكال لأنّ الحكم الواقعي بالوجوب غير متيقّن الحدوث و الحكم الظاهري المستفاد من دليل الحجّية غير محتمل البقاء، و يتوقّف دفع الإشكال حينئذ (۶) على إنكار ركنيّة اليقين بلحاظ مثل رواية عبدالله بن سنان المتقدّمة.

۱. مرجع ضمير: اماره.

۲. صفت تعبّد.

۳. مرجع ضمير: تعبّد به جلوس.

۴. مشاراليه: زوال.

۵. یعنی: شك در مقتضى.

۶. كه شك در مقتضى است.

Score: ۲۵:۲۵

چکیده

۱. صورت چهارم شک در حدوث و بقاء که هر دو شبهه حکمه هستند جای استصحاب موضوعی نیست ، اما استصحاب حکمی جاری می شود.
۲. در صورت های چهارگانه، وقتی شک در بقاء حکم ناشی از شک در تحقق غایت بود، شک در رافع نامیده می شود.
۳. شک در این که آیا مستصحب، قابلیت بقاء تا زمان لاحق را دارد یا خیر، شک در مقتضی منامیده می شود.
۴. در شک در مقتضی، اجرای استصحاب مورد اختلاف است.
۵. در شک در مقتضی اگر به روایت عبدالله بن سنان تمسک کنیم، می توان استصحاب را جاری نمود.